

بسم الله الرحمن الرحيم

عروس کوچک

www.kebab.ir

پور میرزایی، منصوره	سرشناسه:
عروس کوچک / منصوره پور میرزایی	عنوان و پدید آوران:
مشهد، تسنیم دانش ۱۳۹۲	ناشر:
۲۰۳ صفحه	مشخصات ظاهری:
۳۸-۵-۵۷۳۱-۶۰۰-۹۷۸	شابک:
فهرست نویسی فیبا	یادداشت:
داستانهای فارسی - قرن ۱۴	موضوع:
PIR ۷۹۹۲	رده کنگره:
۴ ع ۹ پ /	نشانه اثر:
۸۴۳/۶۲	رده بندی دیویی:



عنوان: عروس کوچک

بر اساس زندگی واقعی: خانم طاهره رضایی

تایپ و حروف چینی: کاظم قدسی

تنظیم کننده: منصوره پور میرزایی

ناشر: تسنیم دانش

چاپ: مهتاب

نوبت چاپ: اول / پاییز ۹۲

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

قطع: رقعی

شابک: ۳۸-۵-۵۷۳۱-۶۰۰-۹۷۸

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

ستایش پاک ذات کبرایی یگانه خالقش در رهنمایی

به نام خدایی که آفریننده جهانیان است، خدایی که خالق تمام این جهان هستی است، خدایی که بنده عاجز خویش را دوست دارد و از گناهان او در هر مکان و زمان زندگی اش میگذرد. خداوندی که کار گشای مسائل ریز و درشت هر لحظه مخلوق ضعیف و دردمند خویش است.

چون خالق اوست حوائجش را می داند و در هیچ نوع بر او کم نمی گذارد مگر بر مصلحتی که بر جای دگر او را سرشار از نعمت و رحمت بی کران خود می گرداند.

خداوند رحمانی که در سوره عم یسائلون می فرماید:

و خلقناکم اذواجاً و ما برای شما زوجهایی آفریدیم که در کنار آنها آرام گیرید.
از احادیث قدسی است که:

خداوند رحمان اول آدم را آفرید و پس حوا را.

آمده است چو آدم حوا را دید به قدرت روحی که از مالک خویش در او بود نطق گرفته رو به خداوند عرض کرد ، خداوند این موجود زیبا چیست که من نزدیک شدن بر او را دوست دارم و می خواهم به رویش نگاه کنم ؟

خداوند فرمود: ای آدم این کنیز من است و حوا نام دارد.

خداوند به حضرت آدم می فرمایند: آیا دوست داری که همیشه با تو باشد تا مونس تو بشود و برایت حرف بزند و تابع دستورات تو باشد؟

آدم عرض کرد: بلی، خداوند! اگر چنین باشم من به خاطر این لطف مادامی که زنده هستم بر تو حمد و سپاس می گویم.
پس خداوند فرمود:

او را از من خواستگاری کن. زیرا او کنیز من و برای تو هم ز دگر لحاظ خوب است.
و آدم عرض کرد خداوند! من او را از تو خواستگاری می کنم برای این کار چه باید بکنم ؟

خداوند عزوجل فرمایند: رضای من در این است که تو مسائل و احکام دینی را که به تو آموخته ام به وی بیاموزی. و آدم قبول کرد و خداوند فرمود:

من شهادت تو را زن و شوهر کردم و آنها را پیوند داد
از حدیث فوق و نیز احادیث چنانش بر می آید که خداوند کریم نه تنها انسان را بیهوده نیافریده بل ، او را موجودی کاملاً دقیق و حساب شده و نیز مدفد از خلق و از بابت عقل متفاوت با تمام موجودات دیگر قرار داده است به طوری که با توجه بر این مهم در جاهای مختلف از او به عنوان اشرف مخلوقات خویش یاد کرده است.

او را مزین بر عقل و عشق و از بابت قدرت اختیارش ، موجودی خاص قرار و از آغاز آفرینش در مقطع های مختلف هر گاه جامعه بشری را آتشی گریبانگیر می شده ، پیامبری یا پیامبرانی ره همزمان برای رهایی آنان مبعوث می داشته تا راه نجات از آن مشکلات را به آنان نشان و زین طریق نیز راه و روش زندگی را بر مردم بیاموزد .

و چنین بود ختم رسل ، هادی سبیل راه زمین و آسمان ختم پیامبران محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) زمانی از طرف خداوند عزوجل هدیه بر جامعه بشری و قوم جاهل عرب به پیامبری رسید چنانکه ، در قرآن کریم نیز آمده است در بدترین جاها زندگی می کردند و از خزندگان چون مارها تغذیه می کردند و کودکان دختر خویش را از اوج جهل زنده به گور می کردند.

و اوست خداوندی که بدون آنکه نیازی بر عبادت بنده اش داشته باشد در مقابل قبول سفارشات وی از طرف بنده و شکر و طاعتش مزد بهشت جاودان و قرب خویش را قرار داده تا دنیا و آنچه که در هستی موج می زند جلوه گر نظام عدالت گستر و رحمانیت مطلق جلّ جلاله باشد.

با کمی تأمل به راحتی می توان دریافت پس از نهادن عقل یا همان هدایتگر درونی و فطرت خدا جویی و حقیقت طلبی در پیش برای تکمیل و هدایت کامل در طی قرون، علاوه بر پیامبران ائمه اطهار علیها سلام را کامل کننده رسالت ختمی مرتبت بزرگترین و آخرین پیامبر خویش قرار داد با نشانیدن راه درست و تمیز حق از باطل بهانه را از انسان متمدن کنونی امروز هم صد درصد ستانده باشد و خود او را آگه و مسئول بر اعمال روزمره و نتیجه آن بنماید.

بنا بر آنچه گفته شد می توان فهمید که انسان امروزه با چندین هزار سال تجربه می بایست با کسب تجربه از شکستهای خویش ، راههای موفقیت را تقریباً دارد.

طوری مواضع خویش را انتخاب کند که در جامعه قرن ۲۱ از هموعان و همکیشان و بدرستی ، آنانی که امروزشان نسبت به دیروزشان فرق و مدام در حال پیشرفت هستند عقب نمانده و بر مرداب نیز فرو نرود.

آری : انسان امروز انسان ریزنگر است انسانیت پویا با مغزی هوشیار که ، بر هر کار خود هدفی و بر هر دقیقه اش برنامه ای ساخته علت و معلولها را در کنار هم قرار و برای پیشرفت هر لحظه از زندگی اش با برخورداری از علمهای گوناگون ، برنامه ای وجدولی دارد و از تجربه دیگران کمک می گیرد و راهی را که قبلاً امتحان شده دوباره امتحان نمی کند .

بر وقت و لحظه لحظه زندگی خود ارزش و قیمتی قائل است و برای زندگی روزمره و حتی خوابیدن و نوع خوردن و راه رفتن برنامه و درسی دارد و ستون خویش را بر مرداب نمی گذارد، او بر گرداب پای نمی نهد چنانچه اگر در مقابل چیزی تجربه ای نداشته باشد در پی یادگیری آن حتما خواهد رفت تا زیان و ضرر را به حد اقل رساند.

انسان امروزی تابع حرفهای پوچ و بیهوده نمیشود و پای بر کجی نمی گذارد و به فال و شانس اعتقادی ندارد و آینده خود را در میان کاسه و پیاله رمالان جستجو نمی کند.

براستی که می دانند در طی زمان بنا بر همه نیازهای بشر، علمی خاص بوجود آمده و پژوهشگرانش بهترین راهبرد را در کتب درج کرده اند که او می تواند تجربه هزارساله بشر را در روزی بدست آورد و نتیجه اینکه خودسرانه و بدون تجربه و مشورت دیگران هم کاری انجام نمی دهد.

او چون می بیند ناخدای امروزه کشتی اش را از حمله موجها سالم به ساحل می رساند و نیز ساریان، کاروان را از گرداب بلاها دور و با کمترین خطر به مقصد می دارد در صدد است که اشتباه نکند که هر چقدر کوچک باشد وقت و عمرش را تباه و از بقیه عقب می ماند.

با این شرح کوچک به سادگی میتوان در یافت که انسان عاقل به راحتی می تواند با تحقیق و تجسس به بهترین نحو زندگی خود را بسازد و با داشتن برنامه های مبتنی بر ستون عقل و دانش سقفی مطمئن بر بالای سر خود و اهل خود گذاشته آسوده زندگی کند. او حتی انسان دیروزش نیست.

از ضروریات و مهمترین اصلها که هر انسان بر آن قیمت و ارزش گذاشته و هر پی آنست در اولین و مهمترین پایداری سلامت جان و روح، امنیت و آسایش و راحتی و گذراندن ایام خوش و دلچسب است که در ابتدای ورود بر این اتومیل زندگی، در وهله اول انتخاب جفت خوب و مورد نظر و یابک همراه خوب صد ساله را می توان نام برد و نیز مسکن و رفاه نسبی اهل

خویش است طوری که، در بدست آوردن هر کدام داشته گذشته اش نیز به خطر نیفتاده پیروزمندانه بدست آورده و بگذرد.

جدای از جستجوی مسئله مهم همسر گزینی از نظر دین که مهمتر یاد کردن از آن به نیم دین لطفاً به این چند جمله دقت کنید:

- ۱- تمام آرزوهای انسان در روی زمین با بودن زن و همسر ارزش پیدا می کند.
 - ۲- انسان گردش بر بهترین مکانها را با همسر خود در خواب می بیند و گردش در فلان جای با فلان اتومبیل را در کنار جفت خویش آرزوست.
 - ۳- بالاترین مبلغ ثروت، کسی را به اندازه با هم بودن دو زوج بر ساعتی و خوش وقت نکرده است.
 - ۴- داشتن بزرگترین ساختمانها، شادی آورو خوشحال کننده به اندازه خیمه ای که دو زوج را از خیس شدن پناه داده است نیست.
- حال که ارزش و جایگاه همسر را در یک نگاه ساده و جزئی وارزش بقیه دنیا را از این پنجره دیدیم در مهتی چون انتخاب همسر و جفت چندان و چندساله خود می بینیم که حتم بایستی جدا از انتخاب یک اتومبیل و یا خرید یک پیرهن و یا یک جفت کفش نگاه کرد.
- پسر امروزه سوای از فکرهای ستی دیروز آگاه بوده و می داند در انتخاب نادرست همسر آنقدر ضرر میکند که دختر جوان متضرر است با یک چشم به هم زدن میرسد روزی که دوستان همه بر سای خوشبختی قدم میزنند در حالیکه او که بر بی فکری و ناعاقلانه تصمیم گرفته و یا مبتنی بر غرایض و شهوات زندگی را شروع کرده در پیچ و خم غمهای شکست، چروکهای پیری بر صورت نقش و بر مرداب در حال دست و پا زدن است.
- و اما از این مهم که مقداری دورتر گردیم در زمینه مراحل بعد یعنی وجود فرزند، که پایه ها و ستونهای خانواده بشمار می آیند اگرچه کتابها می بایست اما کوتاه و در حد وسعت وقت همینقدر بس در تذکره که:

فرزندان را جدای از ناز و کرشمه های بهجگانه ، بزرگ کنند چرا که همت دختر امروز باید به اندازه مرد دیروز باشد تا بتواند در جامعه صنعتی فردا زندگی کند که نتیجه تجربه است :

(بزرگترین مردان و بزرگترین زنان در هر شغل و منصب و مقام با همت ترین آنها ز بین مردمندان آفتاب ندیده ترین آن .)

جوان مردی که در پیچ درست کردن خم ابروی خود بر صندلی آرایشگاه مانده است همتش بیش از دختری همسن و سال خود وجه بسا کمتر ز او نیست و به درستی، آئی موفق است که خود پر از غرور و بیهوده طلب بی خرد را ، در اولین کوچه زندگی رها کرده به راه زند .

« نمی دانم » را ، بر کلاس درس برده دانه را بیاموزد و پس با توکل بر خدا و ثروت دانایی سوار بر رخس مردانه وار در عرصه زندگی بتازد .

با تمام آنچه در مورد خانواده و معیارهای اخلاقی و خلق و خوی گفته شد نمی توان تاثیر مدرسه و اجتماع را نادیده گرفت زیرا پس از دوران طفولیت دیگر نحوه آموزش و نوع تدریس و نوع درس است که بر اخلاق و منش و شخصیت پذیری فرد تاثیر دارد .

این کتاب زندگی نامه شخصیت مربوط به آنچه گفته شد

شرح زندگی شخصی است که خود را اسیر و قربانی خواسته های دیگران نموده است شخصی که با خواندن اتفاقات ناخوشایند و گاه خوشایند زندگی اش می توان نعمت تعلیم و تعلم و رود زن به جامعه از راه صحیح و دور از عقیده های قدیمی دانست .

و نیز دوری از عقیده و نظره های خرافاتی آنانی که عقد دختر عمو و پسر عمو را در آسمان می دیدند درحالی که ، غافل بودند از اینکه تفاوت بسیاری وقتها پایه ، و دوشی مضاعف می آورد . چنانکه روانشناسان اغلب بر این نظریه اند :

اکثر دخترها ، همسر شخص غریبه شدن را بیشتر از خویشان چون پسر عمو ی خویش می پسندد و پسر نیز متقابلا غریبه را بیشتر از دختر خاله بسیار زیبای خود می انتخاب میکند . و

چنان این داستان بسیار دیده شده است که همین مسئله باعث بی محبتی طرفین و در آخر مشکلاتی چون طلاق گردیده که کسی را در آن مقصر نمی توان دید.

با مثالی بهتر روشن می شود :

گاه دیده شده است کسی عاشق یکی از نزدیکان و خویشان ما می شود و خود را افسانه شهر می سازد در صورتی که همان دختر عمو یا خاله یا بنا بر شناختی که ما از دوران طفولیت و نوع زندگی و او داریم ارزش آنچنان خودکشی و رنج آن شخص را با آن مقام و شکل نمی بینیم و شعرها و غزلهای روئیایی او را همه از روی دیوانگی محض دانسته از آنکه او را فرشته می خواند می خندیم و از آنکه پیش او کوچک و بزرگ میشود جُک میسازیم.

آری تقصیر من و شما نیست علت آنست که چون از یک خون و یک ایل و تبار هستید نازش را خریدار نبوده او را نه فرشته بل ، انسانی مثل خود شاید پایتتر و گاه هم بی ارزش میدانیم . چنانکه اگر خود را جای آن شخص مقابل بگذاریم چه بسا که ما هم سر یک پا بایسیم چنانکه حتم برای کس دیگر چنین بوده ایم و برای هر کس انکار نا پذیر است .

"گویند حکایت لیلی و مجنون شاه را بر آن داشت تالیلی را از نزدیک ببیند ، پس برای این منظور او را به دربار خواستند .

چو حاکم لیلی را چه از نظر زیبایی و چه قد و از پایتترین خدمه خویش هم پایتتر دید مجنون را دیوانه ای خواند که ابد در سر وی عقل نباشد .

در همین حال بود که چو سخن و به تمسخر گرفتن لیلی را یکی از اطوفیان حاکم دید گفت :

ای حاکم لیلی را باید از منظر چشم مجنون نگریست ."

و چه بسا شما نیز ابروان معشوق را تشبیهات خارج از عقل و چشمانش را ستاره و قدش را سرو و همینطور که در اشعار آمده توصیف و تمجید و اگر بر مافردمان دهد گوش هوش هستیم در صورتی که در برابر دختر یکی از خویشان خود که شاید بسیار از او زیباتر است اصلاً و ابداً

چنین نمی‌کنیم گر بر همسری بگزینیم ناز و کرشمه‌ای بر او ندیده و مریضی‌های سخت او را حتی چون پاره شدن کفش زن غریبه تحویل نمی‌گیریم. راستی که فراموشمان میشود او هم انسان است. گمان می‌رود جمله از آن جهت است که هیچ چیز از زیبایی و دلربایی به خاطر خویشاوندی در او نمی‌بینیم.

حال که دیدگاه روشن شد بهتر است داستان چنین ازدواجی را از زبان دختری با نام طاهره آغازیم و حوادث و وقایع جالب و گاه حیرت‌کننده را بر شرح گیریم چه بسا که مورد توجه شما عزیزان خواننده قرار واز آن درس گیرید. بسیاری از ضرب‌المثلهای ریشه در عقاید و تجربه‌های شاید هزار ساله بدست آمده است گویند.

درب رو باید جایی گذاشت که صاحب خانه می‌خواهد.